

از خیانت تايک ترومای ملی

زهري به اسم شايعه

جاناتان لیو

مترجم: نوید صراف

در ظاهر هیچ اتفاقی رخ نداده، هیچ جزئیاتی نیز در خصوص ماجرا نه مطرح شده و نه برملا؛ «ونسا پرونسل» تا به امروز مصرانه و با جدیت وجود هرگونه رابطه میان خود و «جان تری» در اواخر سال ۲۰۰۹ را تکذیب می‌کند. او حتی دفاعیه چاپ شده از خود، نامه عذرخواهی و سایر مدارک قانونی را برای تأیید ادعاهایش نگه داشته است. با این وجود اما پرداختن مجدد به این داستان کهنه، قدیمی و شاید مدفون شده، بسیار باارزش است چرا که ما را با فاصله میان آنچه می‌دانیم و آنچه در این سال‌ها باور داشته‌ایم، روبه‌رو می‌کند.

با طول یک دهه، حقیقت و افسانه در این ماجرا به هم گره خورند. ماجرای اسرارآمیزی که از چگونگی قرار گرفتن «جان تری» و هم‌تیمی و دوست سابقش در باشگاه چلسی «وین بریج» در مرکز یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های خیانت انگلیس روایت می‌کند. یک داستان سورئال. یک خاطره تلخ که همگان ترجیح می‌دادند هرگز رنگ حقیقت به خود نمی‌گرفت. اتفاقی عجیب که شاید تصمیم گرفته‌اند آن را غیرواقعی بدانند.

این داستان در کنار خود موارد بسیار دیگری را نیز زیر ذره‌بین قرار می‌دهد و روی تمامی آنها علامت سؤال می‌گذارد. مواردی از قبیل محدودیت‌های حریم شخصی، وظایف و ضروریات سلبریتی بودن، حد و مرز آزادی مطبوعات و البته آنچه هنگام تقابل اشتیاق سرکش رسانه‌های جدید با ولع داستان‌های گذشته رخ می‌دهد. این داستان روی تعاریف جهانی از واژه‌ها نیز تأثیر گذاشت: دوستی و خیانت، هوسرانی و اخلاق‌مداری، کنجکاوی غیراخلاقی مردم برای پی بردن به آنچه افراد مشهور در خلوت خود انجام می‌دهند!

این داستان زندگی و شهرت هر ۳ ضلع تشکیل‌دهنده‌اش را نیز مورد بازتعریفی اساسی قرار داد؛ با گذشت یک دهه، «وین بریج» هنوز هم هنگام عبور از کنار یک ساختمان یا انتشار ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی با فریاد نام «جان تری» از

سوی مردم مواجه می‌شود. برند شخصی‌تری نیز به طرز غیرقابل جبرانی لکه‌دار شد؛ بازوبند کاپیتانی تیم ملی را از دست داد و در مستطیل سبز به عنوان شرورترین چهره فوتبال در اذهان باقی ماند اما جالب اینکه هسته اصلی این داستان و شخصیت نقش اولش، اصلاً یک فوتبالیست نبود. برای پرونسل، مادر ۳۳ ساله و مجردی که هیچ قانون و تابویی را زیر پا نگذاشته بود، اتفاقات اوایل سال ۲۰۱۰ درس تلخی بود تا او و همگان به این حقیقت دست یابند که فوتبال و جامعه چگونه با زنان رفتار می‌کنند. از شرم‌ساری بابت رابطه‌های خصوصی و پشت درهای بسته گرفته تا تحقیر و ترورهای بی‌رحمانه رسانه‌ها. رفتاری که در آن «زن» را به قسمتی از دارایی‌های یک «مرد» محدود می‌کند. در چنین جامعه‌ای هر چیزی بر اساس نگاه مردان طبقه‌بندی می‌شود و به این ترتیب هویت انسانی از زن گرفته شده و مورد نگاه جنسیتی قرار می‌گیرد و سپس به همین دلیل نیز زیر تندترین و شدیدترین سرزنش‌ها کمر خم می‌کند.

در آن زمان روزنامه‌ای پرونسل را «زنی که جان‌تری را به زیر کشید» توصیف کرد. ونسا در سال ۱۹۷۶ در باندول - شهری آرام و ساحلی در جنوب فرانسه - چشم به جهان گشود. والدینش در یک فروشگاه لباس مشغول کار بودند و زمانی که دخترشان تنها پنج سال داشت، تصمیم گرفتند که مسیر زندگی‌شان را از هم جدا کنند. پدرش زمانی که ونسا یازده ساله بود، جان خود را از دست داد. او در نوجوانی در شهر پاریس به بازیگری و مدلینگ پرداخت و سپس به لندن مهاجرت کرد. جایی که برای کسب درآمد تصمیم گرفت در کلوپ شبانه سوهو که محل رفت‌وآمد افراد متمول بود، مشغول به کار شود. در همین مکان بود که در سال ۲۰۰۴ با بریج، بازیکن وقت باشگاه چلسی آشنا شد. وین در آن زمان ۲۳ ساله بود و به عنوان یک مدافع چپ در اوج دوران حرفه‌ای‌اش قرار داشت. او که از نخستین خریدهای «رومن آبراموویچ» برای چلسی بود با هفت میلیون پوند از ساوتهمپتون پا در استمفوردبریج گذاشت و در همان فصل نخست با گلزنی برابر آرسنال در لیگ قهرمانان اروپا و حذف تویچی‌های لندن، خود را به بازیکنی مهم برای آبی‌های شهر تبدیل

کرد. مهم‌ترین مانع شکوفایی بریج، عدم برخورداری از فاکتور «اعتماد به نفس» بود؛ فاکتوری که بازیکنان خوب را به سمت تبدیل شدن به یک ستاره سوق می‌دهد. فاکتوری که به مرور به شخصیت مدافع چلسی نیز افزوده شد. بریج و پرونسل پنج سال با هم در ارتباط بودند و در تمام این مدت، رابطه صمیمانه و نزدیکی را با مردی ایجاد کردند که وضعیت، جایگاه و شخصیتش باشگاه چلسی را به یک امپراتوری بزرگ تبدیل کرده بود. تری کودکی‌اش را در شرق لندن در فقر گذراند و کارش را به عنوان توپ جمع‌کن آغاز کرد. کسی که روزگاری هفته‌ای تنها ۴۸ پوند دستمزد می‌گرفت اما به جایگاهی والا و استثنایی در قلمروی قدرت آبراموویچ رسید. جان از فقر عبور کرد و بازوبند کاپیتانی چلسی و انگلیس را به دست بست. کسی که در اتاق مالک متمول باشگاه همیشه به رویش باز بود و حتی درباره تاکتیک‌ها، هم‌تیمی‌هایش، جذب بازیکن جدید و استخدام مربی به آبراموویچ مشاوره می‌داد.

دنای تری

برای مرد جوانی همانند بریج، انتقال از ساوتهمپتون بی‌سروصدا به دنای جذاب‌تری چگونه می‌توانست باشد؟ کسانی که جان را از نزدیک می‌شناختند، متوجه می‌شدند که او نسبت به روزگار نوجوانی تغییر کرده. در این تغییر پول و ثروت تأثیر قابل توجهی نداشت بلکه کنترل، زیر نظر گرفتن و مدیریت شرایط بود که تغییر و تحول را رقم زد. به بیانی ساده‌تر؛ نه موفقیت‌های درون مستطیل سبز بلکه تمجید و تعریف‌های خارج از زمین باعث این تغییر شد. او جایگاه بسیار والایی داشت و هیچکس نمی‌توانست «جان تری» را در استمفوردبریج زیر سؤال ببرد. «کارلو آنچلوتی» سرمربی پیشین آبی‌پوشان لندنی در این باره می‌گوید: «بسیار عجیب و خاص بود؛ هیچ بازیکنی درباره او جوک نمی‌ساخت. نمی‌دانم شاید بازیکنان از او ترس و واهمه داشتند. تری خط قرمز بود.»

برای مدتی، هم‌زمان با رسیدن تری به قله فوتبال انگلیس، او برای خوش‌رویی و توانایی‌اش در دادن پاسخ‌های صریح به سئوالات مستقیم، به چهره‌های محبوب در رسانه‌ها بدل گشت اما این سابقه او را از نقره داغ شدن توسط رسانه‌ها در امان نگذاشت؛

در اواخر سال ۲۰۰۹، پدرش «تد» در دام نقشه عجیب و خبرساز نشریه جنجالی «News of the World» افتاد و هنگام تحویل کواکائین به خبرنگاری تحت پوشش، دستگیر شد. ماه بعد همین نشریه فیلمی از جان هنگام دریافت ۱۰ هزار پوند برای تور خصوصی از محل تمرینات چلسی منتشر کرد. البته تری مدعی شد که این پول را به خیریه داده اما تصاویر مردی را به تصویر کشید که بدون محدودیت قدرت، هر کاری که می‌خواهد انجام می‌دهد. مردی که بدون هیچ ترسی قمار می‌کند، پول‌های زیرمیزی می‌گیرد و سپس در کمال اعتماد به نفس به لنز دوربین‌ها می‌نگرد و برای اقداماتش توجیهات افسارگسیخته به خورد مردم و رسانه‌ها می‌دهد. جان به لطف پیشنهاد باشگاه منچسترسیتی در تابستان سال قبل، توانسته بود قرارداد خود با چلسی را با دستمزدی نزدیک به ۱۷۰ هزار پوند در هفته تمدید کند. نکته جالب آنکه تری در روند مذاکرات از آبراموویچ تعهد نیز گرفته بود!

در همان تابستان بریج و پرونسل پس از چند ماه تلاش برای بهبود رابطه‌شان، تصمیم به جدایی گرفتند و وین، چلسی را به مقصد منچسترسیتی ترک کرد. چند وقت بعد، ملاقات‌های جان با پرونسل و کودک سه ساله‌اش - جیدون - در منزل آنها شروع شد. پرونسل در مصاحبه‌اش با «Observer» و البته تمام گفت‌وگوهای دیگر خود در این خصوص، رابطه‌اش با تری را یک رابطه دوستانه معرفی کرد: «آنچه میان من و جان تری بود را به هیچ عنوان نمی‌توان رابطه‌ای عاشقانه یا جنسی تلقی کرد. میان ما تنها رابطه‌ای دوستانه برقرار بود. آنچه رسانه‌ها درباره من نوشتند هرگز حقیقت نداشت.»

در روز بیست‌ودوم ژانویه ۲۰۱۰ و در حالی که نشریه «News of the World» کماکان به دنبال یافتن جزئیات جدید در خصوص رابطه پنهانی (!) پرونسل و جان بود، تری از بندی قانونی در دادگاه استفاده کرد و به این ترتیب رسانه‌ها را از پرداختن و کنکاش در خصوص موضوعاتی که به زندگی شخصی او و خانواده‌اش مربوط بود، منع و محروم ساخت. یک هفته بعد قاضی تاگنات با اعلام اینکه حکم صادره بیشتر از پیشینه تری و قراردادهای تبلیغاتی‌اش محافظت می‌کند تا زندگی خصوصی‌اش؛ رأی بر تعلیق این حکم داد. حکمی که در ساعت ۱۴:۰۰ روز بیست‌ونهم ژانویه لغو و پس از آن هیاهویی بزرگ به پا شد!

خیانت دیده از سوی کاپیتان

رسانه‌های بریتانیا هرگز برای انتشار داستانی از زندگی خصوصی یک سلبریتی

